

امام علی (ع)

www.ketab.ir  
دانای اسرار الهی

کاظم محمدی و ایقانی



---

نام کتاب: امام علی (ع) دانای اسرار الهی

نویسنده: کاظم محمدی و ایقانی

انتشارات: نجم کبری

چاپ و صحافی: ناژو

تیراژ: ۲۰۰

سال انتشار: ۱۳۹۶

نوبت چاپ: دوم ۱۴۰۲

قیمت: ۱۴۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۰۵-۸۲-۹

---

ناشر برتر البرز در سال ۱۳۹۴ و ناشر برتر زنان در نهمین همایش بانوان ناشر در سال ۱۳۹۶

---

## فهرست

|     |  |
|-----|--|
| ۷   | مقدمه                                    |
| ۳۱  | علم امام علی(ع)                          |
| ۶۷  | امام علی(ع) و قرآن                       |
| ۸۳  | حدیثی در خلافت و وصایت و علم امام علی(ع) |
| ۱۱۵ | حدیثی به روایت دیلمی                     |
| ۱۲۷ | حدیثی به روایت علامه مجلسی               |
| ۱۳۷ | حدیثی به روایت شیخ صدوق                  |
| ۱۴۶ | روایت الصادقیه                           |
| ۱۴۹ | ترجمانی از حدیث                          |
| ۱۵۱ | ورود به شهر مدینه                        |
| ۱۵۲ | به دنبال جانشین پیامبر                   |
| ۱۵۴ | وصیت پیامبر(ص)                           |
| ۱۵۶ | پرسش از ابی بکر                          |
| ۱۵۸ | نگرانی سلمان فارسی                       |
| ۱۵۹ | امام علی(ع) و جاثلیق                     |
| ۱۶۳ | علی(ع) طیب دردهای باطنی                  |
| ۱۶۶ | آخرین سفارش رسول خدا(ص)                  |

|     |                          |
|-----|--------------------------|
| ۱۶۷ | از من پیرس               |
| ۱۷۱ | جفای مردم                |
| ۱۷۱ | ما و خداوند              |
| ۱۷۲ | بهشت و دوزخ              |
| ۱۷۳ | شرط مباحثه               |
| ۱۷۴ | عرش الهی                 |
| ۱۷۶ | جای خدا                  |
| ۱۷۷ | جای بهشت                 |
| ۱۷۹ | تبدیل زمین               |
| ۱۸۰ | وجه خدا                  |
| ۱۸۳ | گزارش سلمان              |
| ۱۸۳ | سخنان جاثلیق             |
| ۱۸۴ | سخنان امام علی (ع)       |
| ۱۸۹ | اخبار آینده              |
| ۱۹۳ | ایمان جاثلیق و یارانش    |
| ۱۹۵ | <b>پرسش‌ها و پاسخ‌ها</b> |
| ۱۹۸ | دو برادر یهودی پرسشگر    |
| ۲۰۷ | روایت صادقیه             |
| ۲۱۳ | <b>کتابنامه</b>          |
| ۲۲۱ | <b>نمایه</b>             |

## مقدمه

بانام علی سرشته حق فطرت ما  
از ذکر علی همی بود قدرت ما  
در ظاهر و باطن همه در یاداری ایم  
از اوست تمام خوشی و عشرت ما

سپاس و حمد بی کران خدای حیّ ازلّی و ابدی را، دادار قیوم  
صمدی و سرمدی را که لطف قدیمش شامل حال بندگان ضعیف  
و مخلوقات نحیف بوده و هست و خواهد بود، آنکه ما را  
بی خواست ما و به لطف و از روی حکمتش از دیار عدم به  
صحرای بیکران وجود آورد و با بی نهایت ظرافتی که در نهاد  
یکایک ما تعبیه فرمود راه به کمال و سعادت را در درون و برون

بر همه‌ی ما بگشود و این لطف دمی جهان پدیدار شده را رها نکرده و آن به آن و دم به دم بر جزء و کل هستی سریان و جریان دائمی یافته است. به زعم عارف بزرگ حضرت مولانا جلال الدین:

ما نبودیم و تقاضا مان نبود  
لطف تو ناگفته‌ی ما می شنود

اکنون نیز وی بر اساس قاعده‌ی لطف خود عمل می کند، نه بر اساس خواسته و گفته‌ی ما، که او حکیم است و ما جاهل و نادان که نمی دانیم از حضرت چه بخواهیم، کی بخواهیم، چگونه بخواهیم، چه میزان بخواهیم و ... و لذا دفع خطرات و مواجهه با امواج خروشان نعمت‌های الهی همه از جانب حکمت حکیم و لطف لطیف مطلق است.

سلام و درود بی کران بر حضرت ختمی مرتبت، سلطان زمین و زمان، راهبر انس و جان؛ و باعث پیدایش کون و مکان، محمد مصطفی، جان جانان و معشوق عارفان و ممدوح عاقلان. آن که جهان از یمن او و به خاطر او پدیدار گشته و حضرت حق از علاقه و عنایت به حضرتش فرمود: «لولاک لما خلقت الافلاک»، که ای رسول! اگر تو نبودی جهان‌ها را خلق نمی کردم و لباس هستی و وجود نمی پوشاندم، که هر چه که هست از برای جلب رضایت و خنکای دل جناب اوست که نازنین عالم و آدم و دردانه‌ی

حضرت حق است؛ و هر کس که به جایی رسید از لطف و عنایت او رسید، که بی توجه به او کسی مورد توجه خاص خداوند قرار نمی گیرد، و بی عنایت او کسی به کمال بایسته و شایسته نمی رسد، و به گفته‌ی حافظ شیرین سخن:

طفیل هستی عشق‌اند آدمی و پری

ارادتی بنما تا سعادت بیبری

کسی که مطلوب و محبوب خداوند است و خداوند برای رضایت او هر کاری می کند؛ و او را خندان و خوش و بی درد می خواهد و در رفیع گشای نامش و در رفع خستگی اش و برطرف شدن بار گرانش حکم می کند و رضایت او را هر لحظه طلب می کند که «ولسوف یعطیک ربک فترضی» موجودی خاص است و از فرط عظمت و بزرگی اوست که تا ابد ناشناس و ناشناخته باقی می ماند، چه، کسی را یارای آن نیست که فراتر از کون و مکان، و برتر از انس و جان را در بر بگیرد و او را چنان که باید بشناسد و تعریف و توصیفش نماید، چنان که او خود در وصف پروردگارش فرمود: «ما عرفناک حق معرفتک و ما عبدناک حق عبادتک». چنان که باید تو را می شناختیم و آن گونه که باید حضرتت را کرنش و بندگی می کردیم نکردیم، ما نیز در مقام آن ستوده‌ی حق، چنین باید بگوییم که آن سان که باید و شاید حضرتت را می شناختیم، نشناختیم و بدان سان که باید مقامت را

ارج می‌نهادیم، ننهادیم، که در ما هم «قصور» بود و هم «تقصیر».  
و سلام و درود بر عین و نفس و نظیر رسول خدا، علی مرتضی،  
جان جانان، شیر یزدان، ستوده‌ی حیُّ سبحان، امام انس و جان،  
هادی اولیاء و عارفان، بیرون از حد و حصر فکر و گمان،  
ناشناخته‌ی تمام دوران، امیر مؤمنان.

آن که قرآن کریم در مدح او کوتاهی نکرده و بزرگان علم و  
ادب و اندیشمندان حکمت و معرفت در وصف او بهینه‌ها را  
گفته و سروده‌اند، ولی او چنان نیست که به وصف درآید، او  
پارادوکسی است تمام که لایوصف است و کس قادر بر شناخت  
او و توصیف و تبیین ابعاد گسترده‌ی وجودی او نیست و نخواهد  
بود، چه به زعم رسول خدا که به امام علی علیه السلام فرمود:

يَا عَلِيُّ!

مَا عَرَفَ اللَّهُ إِلَّا أَنَا وَأَنْتَ،

وَمَا عَرَفَنِي إِلَّا اللَّهُ وَأَنْتَ،

وَمَا عَرَفَكَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَا.

يا علی!

کسی خدای را شناخت جز من و تو،

و کسی من را شناخت جز خداوند و تو،

و کسی تو را شناخت جز خداوند و من.

این است که آن ولی الله المطلق و آن آیت الله الکبری و اکبر  
آیات خداوند برای همه ناشناخته است و ناشناخته بودنش از



طرفی به خاطر پارادوکسیکال بودنش است که مستجمع جمیع صفات کمالی به ظاهر متناقض و متضاد است، و از طرفی فراگیری و گستردگی بیش از حد صفات و حضور اوست که عقول عاقلان و خیال خیال پردازان از پریدن به آن رفعتش عاجز و از دست یابی به کمالات لایتناهی او ناتواناند.

اما او را چون عوام درویشان و ساده لوحان، خدا نمی توان انگاشت که خداوند بی نهایت بزرگ تر از اوست، و او که محو و ذوب در حضرت حق شده نیز برایش حدّ یقف و حدّ و حصری متعیّن و شناخته وجود ندارد، آری او نیز بشر است اما به تعبیر زیبای ملاعلی خوئی: او نیز بشر است ولی چه بشری!

ها علی بشر کیف بشر

ربه فیه تجلی و ظلم

ما هو الله ولكن مثلا

معه الله کنار و حجر

او کسی است که خداوند در وجود او تجلی کرده و در او ظاهر شده است. او قهراً خدا نیست ولی کسی هم نمی تواند بگوید که او خدای گونه نیست، رابطه‌ی او با خداوند به مانند رابطه‌ی آتشی است که در درون سنگ است. چنان که اشارت دادم در نظر رسول خدا (ص)، شخص امام علی (ع) ذوب شده و محو گشته در ذات خداوند است و فهم چنین انسانی طبیعتاً سخت و

دشوار است، ولی از عجایب و دشواری‌ها این است که او در لباس بشری انسانی خاکی، و نه خاکی که پدر خاک است: ابو تراب! که در قرآن در وصف دوزخیان که به بدبختی و فلاکت رسیده‌اند، و گویا در آنجا به این معرفت راه یافته‌اند که چرا بدین حال و روز افتاده‌اند، لذا بر زبان جاری می‌کنند که: «یا لیتنی كنت ترابا». ای کاش که خاک بودمی! و خاک بودن یعنی تحت سلطه و نظر ابو تراب بودن، که هر کسی خاک راه وی شود و با وی همراه گردد و در تمامی احوال در برابر او تسلیم و خاشع و افتاده باشد هرگز به دوزخ نمی‌افتد، دوزخیان دشمنان علی هستند و دوستان او هرگز راهی برهوت دوزخ نمی‌گردند.

از فرط توجه خداوند عزیز و رسول کریم به آن عزیز بی‌مانند بسیاری به حسادت و کینه‌ی او پرداختند و از ره نفرت و دشمنی درآمدند و به جای این که آن ستوده‌ی خدا و نبی را دوست بگیرند و بستایند عَلم دشمنی برافراختند و بر علیه او داد سخن دادند و ساحت سخن را به بدگوییِ حضرتش آلودند. و وقتی به تاریخ می‌نگریم و منابع و مآخذ را مرور می‌کنیم به سهولت دشمنان او را و انگیزه‌های دشمنی با او را می‌یابیم، که دشمنان او و کسانی که او را دوست نمی‌دارند به زعم روایات از سه دسته خالی نیستند:

۱- منافقان

۲- کافران